

## تأثیرپذیری نظام‌الدین استرآبادی از شاعران سبک خراسانی و عراقی و نوآوریهای او

(ص ۸۰-۶۱)

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال دهم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۶ - شماره پیاپی ۳۶

محمد رضا پاشایی (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>، مهدی حمزه پور سویی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: بهار ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

### چکیده

مشخص کردن تأثیرپذیریها و تأثیرگذاریها از زمینه‌های مهم بررسی سبک‌شناسانه اثری ادبی است. در تاریخ ادبیات ایران هر قدر از عمر شعر فارسی میگذرد این موضوع اهمیت بیشتری می‌یابد. حال این پرسش مطرح است که سخنوران سده نهم تا چه اندازه تحت نفوذ شعرای پیشین بودند و آیا کارشان تقلید محض از شعرای سبک عراقی و خراسانی بوده یا توانسته‌اند خود نیز نوآوری کرده و حتی راهگشای نسل‌های بعد از خود باشند؟ این مقاله سعی کرده است به بررسی سه موضوع بپردازد، نخست تأثرات نظام استرآبادی از سخنوران پیشین، سپس تلاش او برای رهایی از تقلید و سعی در نوآوری و سوم ابداعات خاصی که در شاعران پس از او مؤثر بوده است. نظام توانسته است در قصیده‌سرایی به بزرگانی چون ظهیر، انوری، خاقانی و سلمان نزدیک شود و به سیاق آنان قصیده‌هایی پر طمطراق بسراید. قسمت مهمی از هنرنمایی او از همین روش مجال بروز یافته است. این آگاهی از ادبیات گذشته موجب شده است که شاعر برای رهایی از مقلد بودن، دست به نوآوری زند و با وجود اینکه زمینه شعرش همان مدح‌گویی است، در دام تقلید صرف گرفتار نشده و هنرنماییهای شاعرانه‌اش موجب شده که در دیوانش تصاویر بدیعی بسیار زیبایی مشاهده کنیم، آن هم از مضامینی که قرن‌ها شاعران پیشین آنها را در کوره طبع خویش پروده بودند. در لایه‌ای دیگر از مطالعه دیوان نظام نوآوری‌های خاصی را میبینیم که شاعران بعد از او را متأثر کرده است. استفاده از «اسلوب معادله» یکی از این نوآوریها است که تأثیر آن بر شاعران سبک هندی به خوبی مشهود است.

**کلمات کلیدی:** نوآوری نظام استرآبادی، شاعران سبک خراسانی و عراقی، زمینه‌های تأثیرپذیری.

۱- استادیار، گروه علوم انسانی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

pashaei.reza@yahoo.com

۲- دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران

mehdihamzepoor@yahoo.com

## مقدمه

در مطالعه شعر قرن نهم یکی از نکات قابل توجه کثرت شگفت‌انگیز شعرای این روزگار است، «در تاریخ حبیب‌السیر، بیش از دویست شاعر و در مجالس‌النفایس پانصد و هفتاد و چهار شاعر و در تاریخ نظم و نثر در ایران از بیش از هزار شاعر متعلق به این دوره نام برده شده است. این گروه بزرگ شاعران از میان همه طبقات برمی‌خاستند و معمولاً اگر از میان درس‌خواندگان منتخب، بیرون آمده بودند، شاعرانی برگزیده و پیرو سنت استادان بودند و اگر صاحب حرفه و پیشه‌ای بودند بیشتر به ذوق و قریحه خداداد متکی بودند تا به کسب ادب از راه تحصیل و طلب علم در خدمت استاد». (تاریخ ادبیات در ایران. صفا. ج ۳: ص ۷۳)

به همین دلیل جریان اصلی شعر در قرن نهم به سادگی و روانی تمایل داشت چرا که اکثر شعرای این دوره در محضر اساتید پیشین تعلیم ندیده بودند و تنها به قریحه خود متکی بودند ولی تعداد کمی از شاعران نیز به پیروی از قدما به صنایع و تکلف‌های شاعرانه روی می‌آوردند و سعی در نکته‌سنجی و مضمون‌آفرینی داشتند، بی‌شک یافتن مضامین نو در شعر ادوار پیشین نیز رایج بوده ولی با توجه به گذر زمان و تکرار مضامین، یافتن اندیشه‌ای تازه و موضوعی شگرف در این دوره یکی از ضرورت‌های شاعری بود، در قرن‌های هفتم و هشتم شاعرانی مثل خواجه، سلمان و به‌ویژه حافظ با نکته‌پردازیهایی بدیع خود، شگفتی خوانندگان را برانگیختند و بی‌شک سخنسرایی بعد از چنین بزرگانی، کار آسانی نبود. شاعران این روزگار برای دستیابی به مراتب والای هنری به تتبع و مطالعه در آثار آنان پرداختند، «بعضی به نظیره‌گویی بر پیشینیان پرداختند، بعضی دیگر به صرافت طبع و بی‌آنکه تقلید صرف از قدما کنند، شعر سرودند و گروهی دیگر راه قصیده‌گویان متقدم را ادامه دادند». (تاریخ ادبیات در ایران. صفا. ج ۳: ص ۷۷)

## سوال تحقیق

- ۱) میزان آشنایی نظام‌الدین استرآبادی با ادبیات پیشین چه اندازه بوده است؟
- ۲) تا چه اندازه تحت نفوذ شعرای پیشین بوده است؟
- ۳) آیا کار او تقلید محض از شعرای سبک عراقی و خراسانی بوده یا توانسته است خود نیز نوآوری نماید؟
- ۴) آیا نظام در شاعران بعد از خود تأثیر گذاشته است؟

## ضرورت تحقیق

بررسی تأثیرات و تأثرات شعرا و نویسندگان از همدیگر از مباحث ارزشمند سبک‌شناسی است که سیر تطوّر سبک‌ها و اندیشه‌ها را به خوبی نشان می‌دهد، در تاریخ ادب فارسی این موضوع در قرون متأخر ارزش بسیار یافت چرا که شاعران سبک خراسانی الگوی بیانی خاصی قبل از خود نداشتند ولی در سده‌های پسین شاعران و نویسندگان خواه ناخواه زیر نفوذ افکار و

سبک‌های استادان پیشین بوده‌اند. لذا یافتن سیر تحول فکر و شیوه بیان یک شاعر یا شاعران یک دوره در سده‌های بعدی نشانگر میزان نفوذ و شیوه تحول سبک اندیشه و بیان در ادوار تاریخ ادبیات است.

### پیشینه تحقیق

تاکنون در مورد این شاعر و تأثیرات و تأثرات او پژوهشی صورت نگرفته است، این مقاله سعی کرده برای نخستین بار میزان تأثر نظام را از شعرای پیشین نشان دهد و تأکید دارد که نظام صرفاً شاعری مقلد نیست و ضمن آگاهی از ادبیات گذشته پارسی، تلاش کرده است تا مضمون-آفرینی نماید. حتی به سراغ مفاهیمی رفته است که شعرای توانمندی مثل خاقانی و انوری و سلمان ساوجی بارها به کار برده‌اند و نظام نشان داده است که می‌تواند همان مفاهیم را به صورت‌های بسیار متنوعی بیان نماید و خود را از مقلد محض بودن برهاند، در لایه‌های دیگر این موضوع نمایانده شده است که نظام از پیشروان سبکی است که بعدها به هندی مشهور شد. کاربرد گسترده اسلوب معادله یکی از ویژگی‌های سبکی اوست که شاعران نسل بعد این روش را محور اصلی هنرنمایی خود قرار دادند.

### شیوه تحقیق

روش پژوهش نظری بوده و با مطالعه در دیوان نظام و شعرای بزرگ پیش از او و همچنین شعرای مطرح بعد از وی میزان تأثیرات و تأثرات جمع‌آوری و بررسی شده است.

### معرفی اجمالی نظام‌الدین استرآبادی<sup>۱</sup>

نظام‌الدین بن حسین بن مجدالدین استرآبادی از شاعران سده نه و اوایل سده ده هجری قمری است. (دیباچه نسخه خطی «دستور معما»<sup>۲</sup>) در تذکره‌ها از او با عناوین مولانا نظام‌الدین استرآبادی و نظام معنایی و نظام استرآبادی یاد شده است.

نظام تحت الشعاع اوضاع ادبی روزگار خود به معماگویی گرایش یافت و به نظام معنایی مشهور شد و رساله‌ای نیز با عنوان «دستور معما» نوشت ولی با ظهور امیرحسین معنایی، نظام و دیگران سپر افکندند<sup>۳</sup>، بعد از آن به قصیده‌سرایی متمایل شد. او مدتی در هرات، مرکز سیاسی و ادبی روزگار، در خدمت سلطان حسین میرزا معروف به سلطان حسین بايقرا بود و به وزیر

۱- برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به فصلنامه بهار ادب - سال هفتم - شماره دوم - تابستان ۹۳ - شماره پی در پی ۲۴ - مقاله شانزدهم: معرفی نظام‌الدین استرآبادی و سبک شعر او.

۲- دستور معما که رساله‌ای است در آموزش فنون معما که نسخه‌های آن به شماره (۴۴ج) و (۵۵۵) در کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران موجود است. (فهرست کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۱۵۹)

۳- در نسخه خطی ۱/۲۵۱۴ کتابخانه ملی برگ‌های ۲۰۰ تا ۲۰۶ نوشته‌ایست به نثر از زبان نظام که این موضوع را کامل توضیح داده است.

دانشمند و ادیب او امیرعلیشیر متخلص به «نوابی» ارادت ویژه‌ای داشت. مدتی بعد به زادگاهش بازگشت، علاوه بر مدح حاکمان استرآباد که راهی برای گذران زندگی بود به منقبت‌گویی پیامبر و اهل بیت روی آورد و در این شیوه از دیگران پیشی گرفت و چنان نام‌آور شد که بیشتر تذکره‌ها، او را شاعری معرفی میکنند که تنها به مدح اهل بیت پرداخته و جز آن شعری نگفته است.<sup>۱</sup> در اواخر عمر، تنها به این نوع از شعر بسنده کرد. در سال ۹۱۸ق مثنوی حماسی دینی سرود به نام «سعادت نامه»<sup>۲</sup> که موضوع آن زندگی پیامبر و مبارزات اوست. «سلیمان و بلقیس» مثنوی دیگری است که نسخه‌های آن حفظ نشده است، نظام الدین استرآبادی در سال ۹۲۵ق در استرآباد روی در نقاب خاک کشید.

نظام، شاعری قصیده‌سرا است که توانسته است در این کار، مهارت کافی به دست آورد و با مطالعه اشعار قصیده‌سرایان بزرگی مثل خاقانی، سلمان، کمال الدین اصفهانی، انوری و... سعی کرده خود را به سطح بیانی و قدرت شاعری آن‌ها نزدیک کند، لذا در جای‌جای دیوان او به نام اساتید پیشین برمیخوریم که شاعر یا خود را با آن‌ها مقایسه میکند و یا این که به استقبال از آنان شعری سروده و یا بیتی از آن‌ها تضمین کرده است. گاهی نیز به نوعی شعر آن‌ها نقد و دسته‌بندی میکند، خاقانی را در زمره عارفان معنوی قرار میدهد و شعر ظهیر و انوری را برای سخنرانی مناسب میبندد. کمال الدین اصفهانی مشهور به خلاق المعانی را معنی‌انگیز سپاهانی مینامد، خواجو را به داشتن عبارات فصیح میستاید و امیر خسرو را سخندان معرفی میکند:

فارسی سنجی، نظام اما به درگاه نبی	تا شوی از خیل خاصان، صدق سلمانی خوش است
هر کسی نوعی دهد قانون طراز نظم را	عارفان معنوی را طرز خاقانی خوش است
فرقه‌ای شعر ظهیر و انوری آرند پیش	کین روش نزدیک دانا در سخنرانی خوش است
پیش بعضی از سخن سنجان ز معنی‌های خاص	گفته‌های معنی‌انگیز سپاهانی خوش است
نزد جمعی دیگر از لطف عبارات فصیح	دَرّ دُرّج دلکش خواجوی کرمانی خوش است
لیک بر قانون خسرو، هر که دارد قدرتی	بر سریر کشور معنی، سخندان‌نی خوش است

<sup>۱</sup> در تذکره هفت اقلیم می‌خوانیم: «او به غیر مدح اهل بیت شعری نگفته، به ترهات اهل دنیا زبان نیالوده

...» (هفت اقلیم، رازی، ج ۳: ص ۱۰۷)

<sup>۲</sup> مثنوی سعادت نامه، بر وزن خسرو و شیرین (مفاعیلن مفاعیلن فعولن) هزج مسدس مقصور محذوف که موضوع آن زندگی حضرت محمد و جنگ‌های او است و بیانی حماسی دارد، حدود ده‌هزار بیت که نسخه‌ای از آن به شماره (۳۶۴۲) در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. (فهرست نسخ دانشگاه تهران: صص ۲۶۶ و ۲۶۷)

گویا می‌خواهد آگاهی را خود از ادبیات گذشته به خواننده، اعلام کند و ما را نیز در مقام قیاس قرار دهد تا شعر او را با قصیده‌گویان مشهوری مثل انوری و دیگران بسنجیم و او را در زمره این بزرگان بدانیم، با فروتنی تمام در جای دیگر اعتراف می‌کند که بعد انوری و سلمان، قصیده گفتن دشوار است:

من ازین معدن چه یابم زانکه در اطراف او ز انوری چیزی که مخفی مانده، سلمان، یافته  
نظام، منقبت‌سرای اهل بیت است و با این دیدگاه از شاعران پیشین انتقاد می‌کند که چرا همه  
عمر به مدح ناکسان پرداخته‌اند و همانند او به منقبت‌گویی نپرداخته‌اند، به ظهیر و انوری  
اعتراض می‌کند که در پیروی نیز مداحی کرده‌اند، در قصیده ۱۲۴ خطاب به حضرت  
علی «ع» می‌گوید:

آن که نساخت ورد خود، گفت و شنید مدحتت تا دم واپسین بود لایق گنگی و کری  
داد ده‌ها نظام را داعیه آن که بعد از این حصر کند به مدحتت، شیوه نظم‌گستری  
نی که تمام عمر خود صرف کند به گوشه‌ای بهر مدیح ناکسان همچو «ظهیر و انوری»

در این مقاله تأثیرپذیری‌های شاعر در گروه‌های زیر دسته‌بندی شده است:

#### الف) استقبال (ب) تضمین (ج) برگرفتن واژه یا اصطلاح (د) اشتراک مضمون

در ادامه، ضمن بررسی این موضوعات برای هر مورد مثالهایی آورده می‌شود.

#### الف) استقبال

\* استقبال از خاقانی شروانی

نظام قصیده‌ای دارد در توحید و منقبت پیامبر و مدح ائمه به مطلع:  
هست به کون و مکان، اول و آخر، خدا اول بی‌ابتدا، آخر بی‌انتهایا  
که آن را به استقبال از قصیده توحیدی خاقانی (قصیده نخست) در همان وزن و قافیه سروده و  
در بیت هشتم، دو مصرع از اشعار او را تضمین کرده است:

«هادی مهدی غلام، صادق امی کلام باج‌ستان ملوک، تاج‌ده انبیا»  
مطلع قصیده خاقانی چنین است:

\* استقبال از خاقانی و سلمان ساوجی

قصیده شماره ۷۷ نظام در مدح امیرعلیشیر با مطلع زیر شروع می‌شود:  
«رسد به گوش ز سگان عرصه آفاق که باش برحذر از چرخ ازرق زرق»

<sup>۱</sup> - در بخش تضمین بیشتر توضیح می‌دهیم.

در دیوان خاقانی و سلمان یک قصیده با این وزن و قافیه وجود دارد، به احتمال زیاد نظام این قصیده را به تاثیر از این دو سروده است مطلع قصیده سلمان که در مدح سلطان اویس، سروده چنین است:

مبشّران سعادت برین بلند رواق      همی کنند ندا در ممالک آفاق  
و مطلع قصیده خاقانی که در مدح فخرالدین شروانشاه منوچهر سروده، چنین است:  
ز عدل شاه که زد پنج نوبه در آفاق      چهار طبع مخالف، شدند جفت و فاق  
(دیوان ص ۲۳۴)

### ب) تضمین

#### \* ظهیر فاریابی

نظام در قصیده شماره ۷۷ بیت ۴۰ می‌گوید:

دو بیت از سخنان «ظهیر» می‌آرم      که هستم ز سر صدق کمترینه وشاق  
«اگر ز پای درآید زمانه، باکی نیست      تو شاد، زی که درست است دولتت را ساق»  
«ز نظم، جاه ترا هیچ در نمی‌باید      چنان که نظم مرا از جزالت و اغلاق»

این دو بیت از قصیده ظهیر در مدح اتابک نصرت‌الدین است، در دیوان ظهیر این دو بیت متوالی نیستند، (دیوان ص ۱۷۳ و ۱۷۵)

#### \* خاقانی

نظام در قصیده نخست دو مصراع از اشعار خاقانی را به این صورت تضمین کرده:

«هادی مهدی غلام، صادق امی کلام      باجستان ملوک، تاج‌ده انبیا»  
در واقع این بیت برگرفته از دو بیت خاقانی است از قصیده «منطق الطیر»:  
«هادی مهدی غلام، امی صادق کلام      خسرو هشتم بهشت، شحنه چارم کتاب  
باجستان ملوک، تاج‌ده انبیا      کز در او یافت عقل، خط امان از عقاب»  
(دیوان ص ۴۴)

نظام دو مصراع از دو بیت برگرفته و در یک مصراع قرار داده و ترکیب «امی صادق کلام» را به «صادق امی کلام» تغییر داده است ولی اشاره‌ای به نام خاقانی در آن نیست.

#### \* سلمان ساوجی

در قصیده شماره ۱۲۰ بیت سی‌وسه می‌گوید:

دو مصرع از سخنان سخنوری بشنو      که در زمانه علم شد به نغز گفتاری  
«به خاک پای تو که آب حیات ازو بچکد      اگر مسوده شعر من بیفشاری»

این بیت از قصیده سلیمان ساوجی است در مدح سلطان اویس، به مطلع:  
«دمید گرد لب جوی خط زنگاری      بیا و در قدح افکن شراب گلناری»  
(دیوان ص ۲۲۳، قصیده ۱۳۰)

### \* انوری

در قصیده ۵۰ بیت ۴۸ می‌گوید:  
در خورد توست آن که حکیم انوری گذاشت      بر صفحه زمانه ز کلک سخن‌گذار  
«کای کاینات را به وجود تو افتخار      وی پیش از آفرینش و کم ز آفریدگار»

این بیت، مطلع دوم قصیده‌ای است که انوری در مدح ناصرالدین ابوالفتح طاهر سروده است به مطلع:

دی بامداد عید که بر صدر روزگار      هر روز عید باد به تأیید کردگار  
همچنین مصراع نخست آن «کای کاینات را به وجود تو افتخار» در کلیات عیدزاکانی دو بار تکرار شده است یک بار به صورت «مقصود کاینات وجود شریف تست ای کاینات را به وجود تو افتخار» که در مدح سلطان اویس جلایری گفته‌است و بار دیگر مقطع قصیده‌ایست در مدح ابواسحاق اینجو و تحنیت وزارت عمیدالملک:

تا از فلک بتابد اجرام مستنیر      تا چرخ تیز گرد کند بر مدر مدار  
«ای کاینات را بوجود تو افتخار»

### \* حافظ

در قطعه ۲۴ بیت ۴ می‌گوید:  
بسی ملولم ازین شهر، عازم سفرم      به همدمی سه چهاری که جمع یاراند  
به حسب حال من این بیت حافظ شیراز      شنو که مردم خوش طبع، غمگسارانند  
«تو دست‌گیر شو، ای خضر پی‌خجسته که من      پیاده می‌روم و هم‌رهان سوارانند»  
(غزل ۱۹۵)

### (ج) تشابه مضمونی

#### \* خاقانی، سنایی

در قصیده شماره ۴ به مطلع  
گر عرصه وجود ستاند ز ما فنا      نگرفته است ملک عدم را کسی ز ما  
که موضوع آن توحید، نعت پیامبر و مدح امام علی «ع» است، با توجه به «لا» در کلمه «لاله  
الاالله» این تصاویر را ساخته است:

لب باز کرده است پی نفی ماسوا  
یکسر فرو شود به دم اژدهای لا  
بالای آن گشاده دهن لا چو اژدها  
که شباهت بسیار دارد به ابیات خاقانی در قصیده شماره ۲.

لا در چهار بالش وحدت کشد تو را  
هژده هزار عالم ازین سوی لا،رها  
از تیه لا به منزل آلا الله،اندر آ  
دندانۀ کلید ابد دان،دو حرف لا  
دین،گنج خانه حق و لا شکل اژدها ...  
(دیوان ص ۳)

بنگر به شکل لا که در اثبات وحدتش  
هژده هزار صنف ز اصناف کائنات  
توحید ذوالجلال بود گنج لایزال  
که شباهت بسیار دارد به ابیات خاقانی در قصیده شماره ۲.

ای پنج نوبه کوفته در دار ملک لا  
جولانگه تو زان سوی آلاست گر کنی  
از عشق ساز بدرقه پس هم به نور عشق  
دروازه سرای ازل دان سه حرف عشق  
بی حاجبی لا به در دین مرو که هست

### \* حافظ

قصیده ۵ بیت ۲۷

دل از ریاضت پیوسته یافت نور و صفا  
درون صومعه شیشه، اربعین، صهبا

همی گفت این معمّا با قرینی  
که در شیشه برآرد اربعینی...  
(غزل ۴۸۳)

به جوف این گره آبگون شیشه مثال  
صفا نیافته تا آن که برنیاورده  
یاد آور این ابیات حافظ است:

« سحرگه رهروی در سرزمینی  
که ای صوفی شراب آن گه شود صاف

### \* خیام

در قصیده ۴ بیت ۸ می گوید:

از قبر خاکیان خبری هر نشان پا  
گویی ز لب فرشته خویی رسته است

کان سبزه ز خاک لاله رویی رسته است  
(رباعی ۴۸)

آهسته نه به خاک، قدم زانکه می دهد  
یاد آور مضمون بعضی از رباعی های خیام است از جمله:  
هر سبزه که برکنار جویی رسته است

پا بر سر سبزه تا به خواری ننهی

\*\*\*\*

یا علّت مرگ را دوایی بودی  
در طبع جهان اگر وفايي بودی  
(رباعی ۳۸)

ای کاش حیات را بقایی بودی  
کی از دگران به ما رسیدی نوبت



### \* مولوی

در قصیده شماره یازده می‌خوانیم:

بس کز خیال زلف تو پیچم به خویشتن  
تا کی به بزم هجر تو ای شمع  
کوته شده است رشته صبرم ز پیچ و تاب  
گاهی چو چنگ ناله کنم گاه چون رباب  
که یاد آور این بیت حضرت مولانا است در دیوان کبیر:

تا که عشقت مطربی آغاز کرد  
می‌زنی تو زخمه و بر می‌رود  
گاه چنگم گاه تارم روز و شب  
تا به گردون زیر و زارم روز و شب...  
(غزل ۳۰۲)

### \* اوحدی مراغی

قصیده ۸۰ بیت ۲۴

تا کشد دیوار قدرت بر فلک، خاکسترش  
ریخته از کهکشان، معمار صنع لایزال  
قبل از آنکه بنایی بسازند با خاکستر، طرح اصلی را بر روی زمین مشخص می‌کردند، کهکشان  
همان خاکستری است که معمار صنع ازل بر آسمان ریخته تا دیوار کاخ قدر امام علی «ع» را بر  
فلک بنا کند:

«اوحدی» در مثنوی «جام جم» نزدیک به این مضمون می‌گوید: سپهر برای عمارت سرای تو از  
آسمان به برج ثور گنج برده و کهکشان اثر آن است:  
گچ بام تو نه سپهر به دور  
از ره کهکشان کشیده به ثور  
(جام جم اوحدی، ص ۲۰ صفت سرای معمور)

### (د) شباهت‌های لفظی و بیانی (کلمات و ترکیب‌های یکسان، آرایه‌های مشابه)

#### \* خاقانی

در قصیده ۸۶ بیت ۲۷ خطاب به حضرت علی «ع» می‌گوید:

شامگاه جنگ، گردون، اسب ابلق تو شد و سرنوشت از کهکشان جلاجلی بر پای او بست. (تشبیه  
کهکشان به جلاجل)

گردون به شام هیجا شد ابلق مصافت  
تقدیر بسته بر وی از کهکشان جلاجل  
خاقانی در بیت زیر ستاره را به «جلاجل کمر فلک» تشبیه کرده است:

ستاره بین که فلک را جلاجل کمر است  
که بر کمرگه گردون جلاجل است صواب  
(دیوان ص ۴۹)

### \* نظامی

نظام در قصیده ۱۱۵ بیت ۳۵ در وصف عل «ع» می‌گوید:  
 خورشید، دلو چاه کوی رفعت توست و چرخهٔ دولاب آن، چرخ گردان است.  
 چاه کوی رفعتت را دلو زرین است مهر چرخهٔ دولاب دور از چرخ گردان یافته  
 تشبیه آفتاب به دلو را در «شرف‌نامه نظامی» می‌بینیم:  
 برون رفت از چاه ، دلو آفتاب به ماهی گرفتن سوی حوض آب  
 (شرف‌نامه ص ۴۳ بیت ۳۷۵۰)

### \* منوچهری دامغانی

در قصیده ۲ بیت ۶ می‌گوید:  
 گشا چشم خرد، وز ماه نو تحت الحنک بنگر که تاج از تارک گردون رباید باد این صحرا  
 گردون، ماه نو را مانند تحت الحنکی به زیر گلو بسته است، زیرا تندباد روزگار چنان شدید است  
 که تاج از تارک گردون نیز می‌رباید. در قصیده ۸۰ بیت ۱۷ خطاب به حضرت علی «ع» می‌گوید:  
 بسته همچون زاهدان از ماه نو تحت الحنک بس که از سعی تو گردون ، شرع را کرد امثال  
 «منوچهری دامغانی» ترکیب «تحت الحنک» را در توصیف «طوق کبک» چنین به کار برده است:  
 کبک چون طالب علم است و درین نیست شکی مسأله خواند تا بگذرد از شب سه یکی  
 بسته زیر گلو از غالیه تحت الحنکی پیرهن دارد زین طالب علمانه یکی  
 (دیوان، مسقط نهم ص ۱۳۳)

### \* عطار

در مطلع ترکیب بند شماره یک می‌خوانیم:  
 چو باز صبح ز صحرای خاوران برخاست به هر طرف ز خروس سحر فغان برخاست  
 به یک نفس بنشست از دمیدن دم صبح هر آن حباب کزین بحر بی کران برخاست  
 که از نظر مضمونی و قافیه و ردیف به این ابیات عطار شباهت دارد:  
 چون ز مرغ سحر فغان برخاست ناله از طاق آسمان برخاست  
 صبح چون در دمید از پس کوه آتشی از همه جهان برخاست  
 (دیوان عطار غزل ۲۵)

### \* انوری

در ترکیب بند شماره یک بیت ۶۸ چنین می‌گوید:  
 بود صلاح و سداد تو، زیب دانش و داد بود رضا و خلاف تو، اصل کون و فساد  
 که به این ابیات انوری شبیه است:  
 دهد عتاب و نوازش، نشان خوف و رجا

اگر نه واسطه عقد عالم او بودی چه بود فایده در عقد آدم و حوا  
(دیوان ص ۵۱)

آنچه تا اینجا گفته شد نمونه‌هایی بود از تأثیرات شعرای پیشین بر نظام. این مطلب بیانگر آگاهی و تسلط شاعر بر بزرگان پیش از خود است، نظام با اشراف بر ادبیات پیشین و بهره‌گیری از تخیل قدرتمند خود دست به ابداع زده و تصاویر بدیعی و بیانی بسیار زیبایی آفریده است. یکی از هنرهای وی ساختن تصویر بدیع از موضوعی است که قرن‌ها دست‌فروشد شعرای بزرگ بوده است، در اینجا نمونه‌هایی بررسی میشود که مربوط به روشنان فلکی است و شعرای پیشین بویژه خاقانی و انوری در آن داد سخن داده‌اند. همچنین نمونه‌هایی ارائه میشود که نشانگر تأثیرگذاری او بر شاعران بعدی است.<sup>۱</sup>

(۱) تصویرسازی با آسمان

\* جام نگون ؛ روزگار در بزم محبت امام علی (ع) باده مهر را لاجرعه سر کشیده و جام را نگون انداخته است:

گردون مگو، که دور به بزم محبتش لاجرعه خورده باده ، نگون‌سار کرده جام  
\* قلعه قلعی ؛ علی (ع) اگر به روز کین اسب بتازد قلعه قلعی وش گردون از جا کنده می شود:  
گر شوی یکدل به کین ، یابد ز سم دل‌دلت قلعه قلعی وش گردون خضرا انقلاع  
قصیده ۷۳ بیت ۱۵

\* حقه مینا

حقه باز است جهان، منکر این چون باشی که ز سر، مهره درین حقه مینا یابی  
قصیده ۱۱۸ بیت ۳۰

(۲) تصویر سازی با کهکشان

\* صف جنگاوران آسمان ؛ کهکشان لشکری است از جنگجویان آسمان (کواکب) که در مقابل اهل زمین صف بسته اند :

اختران پیوسته در جنگند با اهل زمین کهکشان آمد صفی کز بهر هیجا بسته اند  
قصیده ۴۳ بیت ۲

۱- برای نمونه‌های بیشتر رجوع شود به فصلنامه بهار ادب - سال ششم - شماره اول - بهار ۹۲ - شماره پی ۱۹ - مقاله هفتم: بهره‌گیری نظام‌الدین استرآبادی از حسن تعلیل در تصویرسازی با عناصر فلکی.

\* نشان خاکستری ؛ قبل از آنکه بنایی بسازند با خاکستر طرح اصلی را بر روی زمین مشخص می کردند کهکشان همان خاکستری است که معمار صنع ازل بر آسمان ریخته تا دیوار قدر امام علی (ع) را بر فلک بنا کند:

تا کشد دیوار قدرت بر فلک ، خاکسترش ریخته از کهکشان ، معمار صنع لایزال  
قصیده ۸۰ بیت ۲۴

### ۳) تصویرسازی با غروب

۱) تغزل یکی از قصاید را تا بیت تخلص می بینیم. موضوع وصف غروب و آغاز شب است در هر بیت تصویری بدیع و تابلویی نگارین نقش خورده است که باید آن را دید چرا که شعر از حالت یک بعدی و خطی خود دور شده و مفهومی چند بعدی آفریده است که در ذهن نقش می بندد: زورق زرین طناب (خورشید) در گرداب فلک غرق می شود و در میان امواج تاریک شب حباب ستاره ها دیده می شود ، دهر از هجر مهر، سیاه پوش می شود، شاهد روز نقاب مشکین شب را به چهره میزند ، شمع جهان تاب میمیرد و دود آن(شب)به چرخ می‌رود. اشک(شهاب) از چشم فلک میریزد ، ترک روز (خورشید) اول شب به خواب می‌رود چرا که ساغری(هلال) از عقیق مذاب(شفق)به سرکشیده است.

سطل طلائی(خورشید) از گردش روزگار بازهم در آب فرو می رود و دسته نقره ای(هلال) آن از آب بیرون می ماند، روزگار برای راندن مگسان (ستاره ها) آستین (کهکشان) می افشاند و شهپر زرین ذباب(هلال) در شهد شفق برجای می ماند ، از هر سو برای تماشای زیباروی شب(ماه)، چشم ها (ستارگان) باز می شود و او خود را از دیده ها نهان می کند، آسمان که شراب شفق را نوشیده اینک در حال سرمستی رازهایش (ستارگان)برملا می شود ، لشکریان شب می رسند و آسمان از ترس غارت آنان مشربۀ لعل( خورشید) را در زیر خاک نهان می کند، تیغ زن ملک روز سر خود را نهان می کند گویا از غضب بوترا(علی ع) هراسیده است.

دی چو به گرداب چرخ، زورق زرین طناب غرقه شد از موج آن خاست ز هر سو حباب  
قصیده ۱۰

روز شد از زلف شب گلرخ مشکین نقاب  
اشک به رخساره اش گشت دوان از شهاب  
داشت به سر ساغری پر ز عقیق مذاب  
گشت نمایان همین دسته سیمین ز آب  
ماند به شهد شفق شهپر زرین ذباب  
گلرخ این جلوه گه کرد ز غیر اجتناب  
راز نهانی که داشت ساخت عیان از شراب  
کرد نهان زیر خاک مشربۀ لعل ناب  
داشت هراسی مگر از غضب بو تراب

دهر شد از هجر مهر ماتمی تیره روز  
شمع جهان تاب مُرد، دود برآمد به چرخ  
رفت فرو تُرک روز اول شب، کز هلال  
باز نهان شد در آب سطل زر از دُور چرخ  
برمگس از کهکشان دُور فشانند آستین  
بهر نظاره شد از هر طرفی دیده باز  
شد ز شراب شفق روی هوا لاله گون  
لشکر شب در رسید از پی حفظ، آسمان  
ساخت سرخود نهان، تیغ زن مُلک روز

#### ۴) تصویرسازی با هلال ماه نو

شاعر با استفاده از حسن تعلیل تعابیر بدیعی از این پدیده ساخته است گویی هرگاه که به آسمان می‌نگرد آن را به شکلی دیگر می‌بیند، چند بیت از تغزل یک قصیده:

گهی چنانکه بود گوشهٔ عِصَابُهُ زَر ز فرق شاهد رعنا عیان ز گوشهٔ بام  
قصیده ۹۲

که ماهی است به مأوای تنگ کرده مُقام  
هنوز ناشده آغاز راه، قرین، انجام  
که مدتی ننموده به کار رنگ، اقدام  
ز سیمِ حلّ شده مرقوم گشته دامن لام

گهی خمیده درین بحر نیلگون گفתי  
گهی چو دورهٔ پرگار کان بود دایر  
چو پنج ناخن آن رنگ رز نمودی گاه  
گهی به صفحهٔ سیمابگون همی گفתי

#### تعابیر دیگر از هلال

\* لب حوری بهشتی

که با شیر و شکرآلوده در جنت لب حورا  
قصیده ۲ بیت ۴۹

کند ظاهر، شبانگه ماه نور را در شفق، گویی

\* دستهٔ مینای خضرا

دستهٔ سیمین برین مینای خضرا بسته اند  
قصیده ۴۳ بیت ۲۰

بهر دست ساقیان بزم عرفان از هلال

#### ۵) هاله ماه

\* گرد عنبر سارا

بر عذار ماه گرد عنبر سارا نشست  
قصیده ۲۱ بیت ۱۰

وآن که از جاروب فرآشان صحن مرقدش

\* گریبان ماه

گویا که کند مدحِ شهنشاہ، تخیل  
قصیده ۸۷ بیت ۸

در هاله، مه بدر، برد سر به گریبان

۶) بدر

\* نان تنور فلک

درین تنور نمی مآند قرص ماه عجین  
قصیده ۱۰۵ بیت ۳۰

اگر نه لطف تو آبی زدی برآتش قهر

\* درم ناسره

درم ناسره را قهر تو آذر شده است  
قصیده ۲۶ بیت ۲۰

نیست مه منخسف از دور که در کورهٔ چرخ

#### ۷) ستارگان

- \* دندان گردون ؛ در ابیات زیر با حسن تعلیل های جالبی از این موضوع بهره گرفته است :
- شود دندان گردون هر شبی ظاهر که می خندد گه‌گی بر تاج کیخسرو گه‌گی بر مسند دارا  
 قصیده ۲ بیت ۳
- سپهر با همه دندان اختران ، هرگز گره ز کار فرو بسته کسی نگشاد  
 قصیده ۳۰ بیت ۴
- عجوز چرخ چو طفل رضیع هر سر شب ز حرص طعمه خوانت برآورد دندان  
 ترکیب بند ۱ بیت ۱۰۵
- جز تو گره گشا نسزد ، زان به وقت صبح دندان چرخ را کند افیون شب تباہ  
 قصیده ۱۲ بیت ۲۳
- از دور عمرکاه درین تنگنای غم دندان زال چرخ فرو ریخت از دهان  
 قصیده ۹۷ بیت ۹
- (۸) شهاب
- \* رشته های کارگاه بافندگی تقدیر دواند رشته پود شهاب، استاد تقدیرش  
 شبانگه تا سحرگاهان براین زنگارگون دیبا  
 قصیده ۲ بیت ۴۷
- \* خط بطلان که دبیر فلک بر احکام می کشد : به حکم توست که افلاک را خط بطلان  
 کشد دبیر قضا از شهاب بر احکام  
 قصیده ۹۲ بیت ۶۳
- (۹) کیوان  
 \* کوتوال فلک ؛  
 بر اوج کنگره این قلاع قلعی رنگ  
 به کوتوالی بنشسته پیر کیوان نام  
 قصیده ۹۲ بیت ۲۱
- \* هندو ؛  
 پیل گردون که بود بارگی مطبخ تو از پی حفظ، برو هندوی کیوان باشد  
 قصیده ۲۸ بیت ۲۳
- (۱۰) فرقدان؛ نماد بلندی و اوج است در دو بیت زیر این تعبیر را به شکلی دیگر می بینیم .  
 هست ترا فرقدان بر زبر قاف قدر چون دو نقط کان بود لازمه حرف قاف  
 قصیده ۷۵ بیت ۲۶
- در دیدن مقام رفیع تو دیدگان تقدیر، بر دو روزنه فرقدان نهاد  
 قصیده ۳۱ بیت ۲۶
- (۱۱) کسوف

\*داغ لاله؛

گهی از انکسافِ آثارِ قهرِ دهرِ فرسایشِ  
سیه سازد دل خور، چون درون لالهٔ حمرا  
قصیده ۲ بیت ۴۵

\*سیاهی مهر نگین؛

نکرده است کسوف آفتاب را تیره  
که بهر مهر سیه کرده خادم تو نگین  
قصیده ۱۰۵ بیت ۳۲

(۱۲) خسوف

\*سیاهی اثرِ مِشت؛ ماه شبی خواست که در بارگاه علی (ع) وارد شود مِشتی از دربان علی(ع)  
را خورد و رویش سیاه شد:  
خواست مه تا سر زند در بارگاه تو شبی  
آن سیاهی بر عذار از مِشت دربان یافته  
قصیده ۱۱۵ بیت ۲۲

(۱۳) شفق

\* خون خلق؛ شفق بیانگر این نکته است که خون خلق دامن گیر گردون شده است :  
شفق بر دامن گردون بود هر شام تا دانی  
که خون خلق عالم جمله دامن گیر گردون است  
قطعه ۹ بیت ۸  
\*گریهٔ ملایک ؛ سرخی شفق گواه این مطلب است که فرشتگان در سوگ شهدای کربلا خون می‌گیرند:  
زین درد ساکنان فلک در مصیبت اند  
بر گریهٔ ملایکه، خون شفق گواست  
قصیده ۲۰ بیت ۲

(۱۴) صبح ، سحر

\*دهقان؛

دهقان صبح سنبل مشکین شب دُرود  
از کشت زار گیتی و افشاند زعفران  
قصیده ۹۷ بیت ۸

\* سپیداب؛

مِشاطهٔ سحر به سپیداب صبحدم  
برد از رخ عروس جهان خال عنبرین  
شاهد گیتی که بر رخساره بودش خال شب  
با سپیداب سحر بزُدود آن خال از عذار  
قصیده ۱۰۷ بیت ۲  
قصیده ۵۳ بیت ۶

(۱۵) طلوع تغزل هشت قصیده در دیوان نظام وصف طلوع است چند بیت را می‌بینیم :

\* خون دماغ شدن افق شرق(رعاف)؛

دامن صحرای چین گشت پر از خون، مگر  
بینی کهسار شرق بود به رنج رعاف  
قصیده ۷۵ بیت ۳

\*بچه‌انداختن شب آبستن

گهی افتد ز هول هیبتش در عرصهٔ مشرق  
جنین خاوری آلوده با خون از شب خُلی

قصیده ۲ بیت ۴۴

(۱۶) خورشید

\* تکمه زر ؛

چاک کن جیب غم از ساغر زرین صبح که گریبان افق تکمه زر پیدا کرد  
قصیده ۳۷ بیت ۶

تشبیه خورشید به «تکمه زر» را در این بیت ادیب الممالک فراهانی می بینیم :

نشانده مهرش از آفتاب تکمه زر از آن سپس که گریبان چرخ کرده رفو  
(دیوان ص ۳۹۵)

\* دلو طلایی ؛

چاه کوی رفعتت را دلو زرین است مهر چرخه دولا ب دور از چرخ گردان یافته  
قصیده ۱۱۵ بیت ۳۵

\* ید بیضای موسای چرخ ؛

چون در سحر پدید شد از صبح راستین موسی چرخ را ید بیضا ز آستین  
قصیده ۱۰۷ بیت ۱

در نمونه های زیر شواهدی آورده میشود که نشان از تأثیرگذاری نظام بر شاعران بعد از خود  
است:

(۱) محتشم کاشانی

مشاطه سحر به سپیداب صبحدم برد از رخ عروس جهان خال عنبرین  
قصیده ۱۰۷ بیت ۲

شاهد گیتی که بر رخساره بودش خال شب با سپیداب سحر بزود آن خال از عذار  
قصیده ۵۳ بیت ۶

محتشم کاشانی در قصیده توحیدیه خود در شانزده بیت طلوع را به تصویر کشیده است که  
مضامین آن شبیه به تغزل های نظام است از جمله این بیت :

هزار چشم ز انجم گشوده بود هنوز که بُرد دزد سحر خال شب ز روی هوا  
( دیوان محتشم ص ۱۲۶ )

(۲) صائب

چشم شهاب دوش ز شوق تو می پرید گردون ز ماه یک شبه اش داد برگ کاه  
قصیده ۱۱۲ بیت ۴

زین غم پرید چشم فلک سالها از آن چسبیده بر وی از مه نو پرکاه شد  
ترکیب بند ۵ بیت ۵۶

باور براین بوده است که برگ کاه آرام بخش چشمی است که از شوق می پرد،



صائب این مضمون را چنین گفته است :

شریف را به خسیس احتیاج می افتد که برگ کاه بود داروی پریدن چشم  
(دیوان ج ۵ ص ۲۷۷)

یکی از ویژگی‌های برجسته نظام، ساختن ابیات با آرایه‌ی اسلوب معادله است که بنیاد اصلی ساختن تک بیت در سبک هندی است، در اینجا برای نمونه ابیاتی از قصیده ۲۲ را می‌بینیم که با این اسلوب گفته شده است و جالب تر آن که در دیوان صائب نیز چهار غزل با این وزن و قافیه وجود دارد:

رهروان را زاد ره، توفیق سبحانی خوش است  
تخم را در مزرع دهقان، پریشانی خوش است  
خادمان را بر در شه، بنده‌فرمانی خوش است  
بهر جولان نهنگ، امواج طوفانی خوش است  
خضر وادی، راه‌پیمای بیابانی خوش است  
بهر لؤلؤ در صدف، باران نیسانی خوش است  
آهوی رم‌خورده را مسکن به ویرانی خوش است  
چون به میدان، گوی بازی رخس جولانی خوش است

عزم سیر معنوی زین منزل فانی خوش است  
بی پریشانی دل، مرتاض، جمعیت نیافت  
عقل، پیش عشق دارد بر زمین روی نیاز  
در بلای سخت، سالک جلوه نیکوتر کند  
کار شهری نیست گشتن، رهبر این بادیه  
کی بود هر اشک را در چشم گریان قیمتی  
زاهد خلوت‌نشین در ژنده آسایش کند  
نفس اگر تابع شود سر باختن آسان بود

### مطلع غزل های صائب

با دهان خشک مردن بر لب دریا خوش است  
(غزل ۱۰۱۲)

گر زبان گویا نباشد، دست گویا هم خوش است  
(غزل ۱۰۱۳)

نقطه، پابرجا خوش و پرگار سرگردان خوش است  
(غزل ۱۰۱۴)

از سپند افتادن، از آتش سرافراری خوش است  
(غزل ۱۰۱۵)

با کمال احتیاج از خلق استغنا خوش است

گر نباشد حُسن معنی، خطّ زیبا هم خوش است

از زمین آرامش و از آسمان جولان خوش است

عاجزی از عاشق، از معشوق طنازی خوش است

۳) قآنی

هنگام صبح غرقه درین بحر بی کران  
۸۷س

چندین هزار زورق سیمین که بود، گشت

ترکیب «زورق سیمین» را قآنی در این بیت به کار برده است :

هزار زورق سیمین نماید از اختر

بدان خدای کزین بحر باژگون هر شب

بدان مشاطه که بر چهرهٔ عروس جهان فرو هلد به شب تیره عنبرین چادر  
(دیوان ص ۲۷۲)

#### ۴) وحشی

شفق به چرخ نباشد عجب که نیست غریب اگر به خون بود آلوده دامن جلاد  
قصیده ۳۰ بیت ۵

وحشی بافقی در مدح علی (ع) میگوید اگر هندوی فلک به پاسبان درگه تو سر فرو نیارد جلاد  
فلک او را با طناب کهکشان به دار میکشد:

گر نیارد سر فرو با پاسبان درگهت از طناب کهکشان جلاد خون ریز فلک  
هندوی گردنگش کیوان درین حصن حصین برکشد او را به حلق از پیش طاق هفتمین

(دیوان ص ۲۲۳)

#### ۵) ادیب الممالک فراهانی

\* چاک کن جیب غم از ساغر زرین صبح که گریبان افق تکمهٔ زر پیدا کرد  
قصیده ۳۷ بیت ۶

تشبیه خورشید به «تکمهٔ زر» را در این بیت «ادیب الممالک فراهانی» می بینیم :

نشاندن مهرش از آفتاب تکمهٔ زر از آن سپس که گریبان چرخ کرده رفو  
(دیوان ص ۳۹۵)

#### نتیجه

نظام استرآبادی همانند بسیاری از شاعران روزگار خویش با مطالعه دیوان‌های قصیده‌سرایان  
بزرگی مثل ظهیر، خاقانی، انوری، سلمان و دیگر بزرگان شعر سبک خراسانی و عراقی سعی  
کرده در قصیده‌سرایی به راه آنان رود.

این به معنی تقلید صرف از آثار آنان نیست بلکه او با این ژرف‌نگری در آثار بزرگان قبل از  
خود، کلام خود را به کمال رسانده است. او در چهار زمینه استقبال، تضمین، برگرفتن واژه یا  
اصطلاح و اشتراک مضمون از شاعران پیشین اثر پذیرفته است. بیشترین توجه او به قصاید  
خاقانی، ظهیر، سلمان و انوری بوده و سعی کرده خود را در قصیده‌سرایی به آنان نزدیک کند.  
این امر در کنار این موضوع که نظام نمیخواهد کلامش رنگ تقلید بپذیرد موجب شده تا او در  
عرصه‌ی بیان و تخیل شاعرانه تلاش بسیاری برای مضمون‌آفرینی کند. از این رو در قصاید او  
ابهت قصاید انوری، آهنگ شعر خاقانی با مضمون‌سازی‌های سبک هندی همراه شده است. بدون  
تردید نظام جزو نخستین کسانی است که با کارگیری اسلوب معادله و حسن تعلیل، مضمون -  
های بدیعی آفریده و با کاربرد وسیع این دو آرایه راه را برای شعرای دوره بعد هموار کرد تا از  
بن‌بست شعری قرن نهم به سوی سبک هندی راه یابند.

## منابع

۱. ادیب الممالک فراهانی ، دیوان ، ۱۳۷۸ ، تصحیح مجتبی برز آبادی فراهانی ، تهران ، فردوس.
۲. امثال و حکم، ۱۳۱۰، تالیف علی‌اکبر دهخدا، تهران، بی نا.
۳. پنج گنج، جمال‌الدین ابومحمد الیاس بن یوسف بن زکی موید حکیم نظامی گنجوی، ۱۳۷۰، به کوشش حسین پژمان بختیاری، تهران، پگاه.
۴. تازیانه‌های سلوک، ۱۳۷۲، نقد و تحلیل چند قصیده از حکیم سنائی، محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، آگاه.
۵. تصحیح انتقادی دیوان نظام‌الدین استرآبادی، رسالهٔ دکتری، مهدی حمزه‌پور، دانشجوی دکتری واحد علوم و تحقیقات تهران.
۶. جمشید و خورشید، سلمان ساوجی، ۱۳۴۸، به اهتمام ج. پ. آسموسن، فریدون وهمن ، تهران ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۷. جام جم اوحدی مراغی، ۱۳۷۰، تهران، فردوسی.
۸. دیوان ابوالقاسم حسن بن احمد عنصری، ۱۳۲۳، به اهتمام و تصحیح و مقدمه و حواشی یحیی قریب، طهران، چاپخانهٔ شرکت طبع کتاب.
۹. دیوان امیرنظام‌الدین علیشیر نوایی «فانی»، ۱۳۷۵، به سعی و اهتمام رکن‌الدین همایون فرخ، تهران، اساطیر.
۱۰. دیوان انوری، ۱۳۶۴، به اهتمام سعید نفیسی، تهران، انتشارات سکه-پیروز.
۱۱. دیوان خاقانی شروانی، ۱۳۷۳، تصحیح دکتر ضیاء‌الدین سجادی، تهران، انتشارات زوار .
۱۲. دیوان خواجه حافظ شیرازی، ۱۳۴۵، با تصحیح و سه مقدمه و حواشی و تکمله و کشف‌الایات به اهتمام ابوالقاسم انجوی شیرازی، تهران، علمی، جاویدان
۱۳. دیوان خواجه کرمانی، ۱۳۷۴، به کوشش سعید قانع، تهران، انتشارات بهزاد.
۱۴. دیوان سلمان ساوجی، ۱۳۳۶، به اهتمام منصور شفق، تهران، انتشارات صفی‌علیشاه.
۱۵. دیوان عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، تنظیم و نمونه خوانی و نظارت، جهانگیر منصور، تهران، انتشارات نگاه.
۱۶. دیوان کامل امیر خسرو دهلوی، ۱۳۶۱، با همت و کوشش م. درویش، [مقدمه‌نویس] سعید نفیسی، تهران، جاویدان.
۱۷. دیوان هلالی جغتایی، پادشاه و درویش و صفات العاشقین، ۱۳۳۷، تصحیح سعید نفیسی، تهران، انتشارات سنایی.

۱۸. دیوان کامل جامی، ۱۳۴۱، ویراسته هاشم رضی، تهران، سکه، پیروز.
۱۹. دیوان صائب تبریزی، تصحیح محمد قهرمان، ۱۳۷۱، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۰. دیوان ظهیر فاریابی، ظهیرالدین ابوالفضل فاریابی، ۱۳۳۷، به‌کوشش تقی بینش، مشهد، کتابفروشی باستان.
۲۱. دیوان قآنی شرازی، دیوان، ۱۳۳۶، تصحیح محمد جعفر محجوب، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۲. دیوان نظام استرآبادی، ۱۳۹۱، تصحیح شایسته ابراهیمی و مرضیه بیک وردی لو، تهران، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۲۳. دیوان منوچهری دامغانی، ۱۳۲۶، با حواشی و تعلیقات و تراجم احوال و مقابله بیست نسخه خطی و چاپی به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران.
۲۴. دیوان محتشم کاشانی، ۱۳۷۰، تصحیح دکتر سید حسن سادات ناصری، تهران، انتشارات سنایی.
۲۵. دیوان وحشی بافقی، ۱۳۶۸، تصحیح محمد عباسی، تهران، فخر رازی.
۲۶. شرف‌نامه، ۱۳۸۰، تصحیح برات زنجانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۷. شرح مخزن الاسرار نظامی گنجه‌ای، ۱۳۷۰، نوشته بهروز ثروتیان، تهران، برگ.
۲۸. کلیات دیوان شمس تبریزی، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، با مقدمه بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران، ثالث، ۱۳۸۴.
۲۹. کلیات اشعار شاه نعمت‌الله ولی، ۱۳۸۲، تهران، نشر علم.
۳۰. کلیات سعدی، ۱۳۸۴، تصحیح، مقابله، فهرست‌ها به اهتمام جهانگیر منصور، تهران، احیاء کتاب.
۳۱. کلیات رباعیات حکیم عمر خیام، ۱۳۶۳، متن درست و کامل اصیل خیام از روی نسخه چاپ بمبئی، تهران، صفری.
۳۲. کلیات قاسم‌انوار؛ با تصحیح و مقابله و مقدمه سعید نفیسی، تهران: سنائی، ۱۳۳۷.
۳۳. کلیله و دمنه، ۱۳۸۰، بر اساس طبع استاد عبدالعظیم قریب، با مقدمه و حواشی منوچهر دانش‌پژوه، تهران، هیرمند.
۳۴. منطق الطیر، عطار، ۱۳۷۴، به‌اهتمام و تصحیح سید صادق گوهرین، چاپ یازدهم، تهران انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۵. ویس و رامین، فخرالدین گرگانی، ۱۳۱۴، به تصحیح مجتبی مینوی، طهران، بروخیم.
۳۶. هفت اورنگ جامی، ۱۳۷۸، تصحیح جالبقا داد علیشاه، اصغر جانفدا، ظاهر احراری، حسین احمد تربیت، زیر نظر دفتر نشر میراث مکتوب.